

مجموعه
هنر در تمدن اسلامی

معماری ۱

زیر نظر
دکتر مهرداد قیومی بیدهندی

تهران

۱۳۹۷



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

پیشگفتار

۱

بخش اول: کلیات و مقدمات

۹	فصل ۱: تاریخ تاریخ معماری اسلامی (روح‌الله مجتهدزاده)
۹	۱. سده نوزدهم: پیدایی در سایه شرق‌شناسی
۱۲	۲. نیمه اول سده بیستم: چرخش به سوی تاریخ
۱۷	۳. سال‌های آغازین نیمه دوم سده بیستم: جابه‌جایی و تنوع
۲۲	۴. تاریخ‌نگاری معماری اسلامی از ۱۹۸۰ به بعد: به سوی تحول
۲۶	مؤخره
۲۷	پی‌نوشت
۳۰	فهرست منابع
۳۲	تکمله: نگاهی به تاریخ تاریخ معماری ایران (روح‌الله مجتهدزاده)
۴۳	پی‌نوشت
۴۵	فهرست منابع

فصل ۲: مطالعات غربی در معماری اسلامی: تاریخ و تفسیر (پاتریک رینگنبرک، آندیا عبائی)

۴۶	۱. مطالعه معماری اسلامی
۴۶	۲. تفسیر معماری و هنر اسلامی: مشکلات کلی
۴۹	۲-۱ شواهد معماری
۴۹	۲-۲ منابع مدرکی
۵۰	۲-۳ معضلات روشی و نظری
۵۰	۳. تفسیرهای سنت‌گرایانه
۵۲	۴. موضوعات معاصر
۵۳	پی‌نوشت
۵۶	فهرست منابع
۵۷	

فصل ۳: درآمدی جغرافیایی بر معماری سرزمین‌های اسلامی (۱) (نگار صبوری، مهدی گلچین عارفی)

۵۹	۱. از سمرقند تا قرطبه
۵۹	۲. جغرافیای طبیعی
۶۱	۳. آب و هوا
۶۱	۴. از زمین و آسمان
۶۲	۵. یکسانی‌ها و گونه‌گونی‌ها
۶۵	پی‌نوشت
۶۵	فهرست منابع

۶۶	فصل ۴: در آمدی جغرافیایی بر معماری سرزمین های اسلامی (۲) (روح الله مجتهدزاده)
۶۶	۱. جغرافیا در نزد مسلمانان
۶۹	۲. علل توسعه دانش جغرافیا
۷۱	۳. پهنه های جغرافیایی
۷۱	۳-۱ هندوستان و چین
۷۶	۳-۲ ایران زمین (و ورارود)
۸۱	۳-۳ میان رودان
۸۳	۳-۴ آناتولی
۸۴	۳-۵ عربستان، شام، مصر (مناطق میانی)
۸۸	۳-۶ مغرب و اندلس
۹۲	۴. کانون های مهم فرهنگی
۹۶	مؤخره
۹۷	پی نوشت
۱۰۱	فهرست منابع

بخش دوم: آغاز

۱۰۵	فصل ۵: میراث معماری پیش از اسلام (کریستوفر تاجل؛ ترجمه سیده میترا هاشمی)
۱۲۴	پی نوشت

۱۲۵	فصل ۶: مفهوم معماری در برهه گذار (مهرداد قیومی بیدهندی، مطهره دانایی فر)
۱۲۶	۱. مقوله های معماری
۱۲۷	۲. آبادان و آبادانی: تأملی در لفظ
۱۲۷	۲-۱ ریشه و تبار
۱۲۷	۲-۲ نقش دستوری
۱۲۸	۲-۳ مشتقات و ترکیبات
۱۳۰	۳. مقابل آبادانی
۱۳۱	۴. دلالت های آبادانی
۱۳۲	۵. گوهر و متعلق آبادانی
۱۳۳	۶. آبادانی آبادانی
۱۳۵	۷. نسبت آبادانی و معماری
۱۳۵	مؤخره
۱۳۷	پی نوشت
۱۴۱	فهرست منابع

۱۴۳	فصل ۷: معماری در صدر اسلام (مطهره دانایی فر)
۱۴۳	۱. شبه جزیره عربستان
۱۴۵	۲. کعبه مسلمانان
۱۴۵	۳. مسجد پیامبر: خاستگاه مساجد
۱۴۶	۳-۱ سیر تحول
۱۴۷	۳-۲ ماهیت بنا
۱۴۷	۳-۳ مسجدی مسجد
۱۴۷	۴. مساجد شبه جزیره

صفحه	عنوان
۱۴۸	۵. فتوح
۱۴۸	۵-۱ شام
۱۵۰	۵-۲ مصر
۱۵۰	۵-۳ ایران
۱۵۴	مؤخره
۱۵۵	پی‌نوشت
۱۵۸	فهرست منابع

فصل ۸: معماری روزگار امویان (مهرداد قیومی بیدهندی)

۱۶۰	۱. در شام و جزیرهٔ عرب
۱۶۱	۱-۱ مسجد صحابه در دمشق
۱۶۱	۱-۲ بیت‌المقدس و نخستین مسجد
۱۶۲	۱-۳ کاخ خضرا در دمشق
۱۶۳	۱-۴ مساجد روزگار عبدالملک و ولید
۱۷۰	۱-۵ قصرهای ولید
۱۷۴	۱-۶ قصرهای هشام
۱۷۹	۱-۷ قصرهای ولید دوم
۱۸۲	۲. در دیگر سرزمین‌های اسلامی
۱۸۲	۲-۱ میان‌رودان
۱۸۵	۲-۲ مصر
۱۸۵	۳. معماری مرکز و پیرامون
۱۸۷	پی‌نوشت
۱۸۹	فهرست منابع

بخش سوم: سرزمین‌های شرقی در سده‌های سوم تا ششم

۱۹۳	فصل ۹: معماری روزگار عباسیان متقدم (جانانان بلوم و شیلابلر؛ ترجمهٔ محمد نخعی)
۱۹۳	۱. سرزمین‌های اسلامی شرقی
۱۹۴	۱-۱ عراق
۱۹۹	۱-۲ ایران، توران، هند
۲۰۲	۲. سرزمین‌های میانی
۲۰۳	۳. افریقای
۲۰۶	۴. اندلس و مغرب
۲۰۹	پی‌نوشت
۲۰۹	فهرست منابع
۲۱۲	نمونه: جوسق خاقانی یا دارالخلافة، سامرا (الستر نورتج؛ ترجمهٔ صبا مدنی قَهْفَرُخِی)
۲۱۲	۱. پیشینهٔ تحقیق دربارهٔ کاخ
۲۱۶	۲. توصیف محوطه
۲۱۸	۲-۱ باغ غربی
۲۲۰	۲-۲ باب عامه و بلوک مربع شکل تالار بار عام
۲۲۲	۲-۳ صحن بزرگ
۲۲۲	۲-۴ جانب جنوبی مجموعه
۲۲۳	۲-۵ سرداب بزرگ

۲۲۵	۲-۶ گنبدخانه
۲۲۶	۲-۷ انتهای بخش شرقی و سرداب کوچک
۲۲۷	۲-۸ اصطبل‌ها و کوشک‌ها
۲۲۸	۲-۹ میدان چوگان و تماشاگه
۲۲۸	۲-۱۰ میدان اسب‌دوانی ۲
۲۲۹	۲-۱۱ لشکرگاه
۲۲۹	۲-۱۲ حمام
۲۲۹	۲-۱۳ کاخ شمالی
۲۳۰	۲-۱۴ بحث در شواهد باستان‌شناختی
۲۳۰	۳. شرح کاخ در متون
۲۳۰	۳-۱ دار عامه
۲۳۱	۳-۲ جوسق
۲۳۴	۴. بحث
۲۳۵	پی‌نوشت
۲۴۰	فهرست منابع
۲۴۳	نمونه: مسجد تاری‌خانه، دامغان (فرهاد نظری)
۲۴۴	۱. قدمت
۲۴۶	۲. تحولات تاری‌خانه
۲۵۰	مؤخره
۲۵۱	پی‌نوشت
۲۵۳	فهرست منابع
۲۵۵	نمونه: مسجد جامع، ناین: مناقشه در تاریخ‌گذاری (مرضیه نیک‌نهاد)
۲۵۶	۱. معرفی
۲۵۸	۲. تاریخ‌گذاری بنای اولیه
۲۵۸	۲-۱ بانی
۲۵۹	۲-۲ ناین، اصفهان و اصطخر
۲۶۰	۳. تاریخ‌گذاری اجزاء مهم
۲۶۰	۳-۱ طاق‌ها و چفته‌ها
۲۶۶	۳-۲ قبه مقصوره
۲۶۷	۳-۳ آجرکاری نمای صحن
۲۷۰	مؤخره
۲۷۲	پی‌نوشت
۲۷۴	فهرست منابع
۲۷۶	فصل ۱۰: معماری روزگار طاهریان و صفاریان و سامانیان (امید شمس)
۲۷۶	۱. خراسان و بغداد
۲۷۷	۲. معماری در شرق ایران زمین در سده سوم/نهم و چهارم/دهم
۲۸۱	۳. آبادانی و هنرپروری طاهریان و صفاریان و سامانیان
۲۸۱	۳-۱ طاهریان
۲۸۴	۳-۲ صفاریان
۲۸۶	۳-۳ سامانیان
۲۹۲	پی‌نوشت
۲۹۴	فهرست منابع

۲۹۶	نمونه: مقبره سامانیان، بخارا (امید شمس)
۲۹۷	۱. بخارا در دوره سامانیان
۲۹۸	۲. بانیان، تاریخ، و سبب بنای مقبره
۳۰۱	۳. بنای مقبره
۳۰۴	۴. تشابه وجوه بنا و مسئله ورود
۳۰۵	۵. سنن معماری در بنای مقبره سامانیان
۳۰۸	پی نوشت
۳۱۰	فهرست منابع

فصل ۱۱: معماری روزگار زیاریان (عبدالله مؤذن زاده کلور)

۳۱۲	۱. مرداویج و قابوس در مقام حامی معماری
۳۱۲	۱-۱ مرداویج
۳۱۳	۱-۲ قابوس و شمگیر
۳۱۳	۲. گنبد قابوس
۳۱۶	۲-۱ انگیزه‌های ساخت بنا
۳۱۶	۲-۲ مکان استقرار
۳۱۷	۲-۳ ویژگی‌های کالبدی
۳۱۸	۲-۴ کتیبه
۳۱۹	۲-۵ کارکرد و معنا
۳۱۹	۳. دیگر آثار معماری زیاریان
۳۲۰	۳-۱ بناهای مذکور در منابع نوشتاری
۳۲۰	۳-۲ مقابر برجی باوندیان
۳۲۲	۳-۳ بناهای قومس
۳۲۴	پی نوشت
۳۲۶	فهرست منابع

فصل ۱۲: معماری روزگار بوییان (عبدالله مؤذن زاده کلور)

۳۲۸	۱. بنیادهای علمی و فرهنگی
۳۳۰	۲. حامیان و بانیان
۳۳۰	۲-۱ عضدالدوله: حامی معماری
۳۳۱	۲-۲ حامیان دیگر
۳۳۳	۳. آثار
۳۳۴	۳-۱ مسجد جورجیر
۳۳۴	۳-۲ مسجد جامع اصفهان
۳۳۵	۳-۳ مسجد جامع نطنز
۳۳۵	۳-۴ مسجد جامع قروه
۳۳۶	۳-۵ مسجد جامع نیریز
۳۳۶	۳-۶ بقعه دوازده امام یزد
۳۳۷	۳-۷ اسپه مزگت
۳۳۸	۳-۸ بند امیر
۳۳۸	۳-۹ گنبد عالی ابرقو
۳۳۸	۳-۱۰ آثار ری
۳۳۹	مؤخره

عنوان

صفحه

پی‌نوشت

فهرست منابع

۳۴۱

۳۴۳

فصل ۱۳: معماری روزگار غزنویان و غوریان (رابرت هیلن براند؛ ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی)

۱. گونه‌بناها

۲. صور سازه‌ای

۳. کتیبه

۴. فنون تزیین

مؤخره

پی‌نوشت

فهرست منابع

۳۴۵

۳۴۸

۳۵۸

۳۶۳

۳۶۹

۳۷۲

۳۷۳

۳۸۰

فصل ۱۴: معماری روزگار سلجوقیان و خوارزم‌شاهیان (مهدی گلچین عارفی، نگار صبوری)

۱. مراکز آبادانی و هنر

۲. مسئله انتساب

۳. آثار معماری

۳-۱ طرحی نو در بنای مسجد

۳-۲ منارها و مناره‌ها

۳-۳ کاخ‌ها و رباط‌ها و قلعه‌ها

۳-۴ مقابر

۳-۵ فنون ساخت

۳-۶ تزیینات

پی‌نوشت

فهرست منابع

۳۸۵

۳۸۷

۳۸۷

۳۸۷

۳۸۸

۳۹۰

۳۹۱

۳۹۲

۳۹۴

۳۹۶

۳۹۹

۴۰۰

بخش چهارم: سرزمین‌های غربی در سده‌های سوم تا هفتم

فصل ۱۵: معماری روزگار امویان و ملوک طوایف اندلس (حمیدرضا پیشوائی)

۱. نگاهی به تاریخ و جغرافیای اندلس

۱-۱ ویزیگوت‌ها و مسلمانان فاتح

۱-۲ امویان در اندلس: دوره امارت

۱-۳ امویان در اندلس: دوره خلافت

۱-۴ عصر ملوک طوایف

۲. آثار معماری

۲-۱ مساجد

۲-۲ کاخ‌ها

۲-۳ دژها و کاخ‌های دژمانند

مؤخره

پی‌نوشت

فهرست منابع

۴۰۵

۴۰۵

۴۰۵

۴۰۵

۴۰۶

۴۰۷

۴۰۷

۴۰۸

۴۱۵

۴۱۸

۴۱۹

۴۲۰

۴۲۵

فصل ۱۶: معماری روزگار طولونیان (نگار صبوری، مهدی گلچین عارفی)

۱. شهر قطائع

۲. کاخ میدان

۳. بناهای دیگر

پی‌نوشت

۴۲۷

۴۲۸

۴۲۸

۴۲۹

۴۳۱

صفحه	عنوان
۴۳۲	فهرست منابع
۴۳۳	نمونه: مسجد جامع ابن طولون (حسن عبدالوہاب؛ ترجمہ سیدعلی عمادی استرآبادی)
۴۳۳	۱. احمد بن طولون
۴۳۳	۲. تاریخ و وصف مسجد جامع
۴۳۵	۲-۱ محراب
۴۳۷	۲-۲ منبر
۴۳۸	۲-۳ دار الامارہ
۴۳۸	۲-۴ سبیل میان صحن
۴۳۹	۲-۵ منارہ
۴۴۰	۲-۶ مهندس
۴۴۰	۲-۷ نقشہ مسجد جامع
۴۴۰	۲-۸ شالودہ و ساخت مایہا
۴۴۰	۲-۹ مرمت ہا و بازسازی ہا
۴۴۱	پی نوشت
۴۴۱	فہرست منابع
۴۴۲	فصل ۱۷: معماری روزگار فاطمیان و معاصرانشان در یمن، شام، جزیرہ، سواد (جاناتان بلوم و شیلابلر؛ ترجمہ نازنین شہیدی مارنانی)
۴۴۲	۱. افریقیہ
۴۴۳	۲. صقلیہ
۴۴۶	۳. مصر
۴۴۷	۳-۱ توسعہ شہری
۴۴۷	۳-۲ کاخ
۴۴۷	۳-۳ مسجد
۴۴۹	۳-۴ منارہ
۴۵۰	۳-۵ مقبرہ
۴۵۱	۳-۶ مدرسہ
۴۵۱	۳-۷ ساخت مایہا و فنون و تزیینات
۴۵۲	۴. یمن
۴۵۴	۵. شام و جزیرہ و سواد
۴۵۵	۵-۱ مسجد
۴۵۷	۵-۲ منارہ
۴۵۷	۵-۳ مدرسہ
۴۵۸	۵-۴ بیمارستان
۴۵۸	۵-۵ مقبرہ
۴۵۹	۵-۶ کاخ
۴۵۹	۵-۷ ساخت مایہا و صورت ہا و تزیینات
۴۶۱	پی نوشت
۴۶۲	فہرست منابع
۴۶۶	نمونه: مسجد ازہر، قاہرہ (ناصر رباط؛ ترجمہ سمانہ محسنی حسین آبادی)
۴۶۶	۱. معماری مسجد
۴۷۱	۲. مسجد ازہر در دورہ فاطمیان
۴۷۹	۳. بی اعتنائی ایوبیان و حمایت مملوکان
۴۸۳	۴. مدرن سازی و اصلاح
۴۸۷	پی نوشت
۴۹۲	فہرست منابع

فصل ۱۸: معماری روزگار سلجوقیان روم (مهدی گلچین عارفی، نگار صبوری)

۴۹۴	۱. کانون‌های آبادانی و هنر
۴۹۴	۲. مسئله انتساب
۴۹۴	۳. آثار معماری
۴۹۵	۴. ساخت‌مایه و فنون
۵۰۱	پی‌نوشت
۵۰۲	فهرست منابع
۵۰۴	

فصل ۱۹: معماری روزگار زنگیان و ایوبیان (شبنم حاجی‌جعفری بیدگلی)

۵۰۵	۱. سیاست‌های معماری
۵۰۶	۱-۱ استحکامات
۵۰۷	۲-۱ مسجد و بناهای خیر
۵۰۷	۳-۱ مدرسه
۵۱۰	۲. نمونه آثار
۵۱۰	۲-۱ مدرسه نوریه کبرا، دمشق
۵۱۱	۲-۲ مدرسه صالحیه، قاهره
۵۱۳	۲-۳ قلعه قاهره
۵۱۶	۳. ساخت‌مایه‌ها و فنون
۵۱۸	پی‌نوشت
۵۲۰	فهرست منابع

فصل ۲۰: معماری روزگار مرابطان و موحدان (حمیدرضا پیشوائی)

۵۲۲	۱. نگاهی به تاریخ و جغرافیای مرابطان و موحدان
۵۲۲	۱-۱ مرابطان
۵۲۳	۲-۱ موحدان
۵۲۴	۲. آثار معماری
۵۲۴	۱-۲ مرابطان
۵۲۷	۲-۲ موحدان
۵۳۲	۳. معماری
۵۳۲	۱-۳ مرابطان
۵۳۳	۲-۳ موحدان
۵۳۴	مؤخره
۵۳۶	پی‌نوشت
۵۳۹	فهرست منابع

تصاویر رنگی

۵۴۱	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۵۴۴	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۵۵۰	واژه‌نامه توصیفی
۵۵۶	برابرنامه اعلام
۵۶۶	اعلام
۵۷۶	

پیشگفتار

چهارده سده پیش از این، مردی در شبه جزیره عربستان پیدا شد تا پیام خدا را به گوش مردم آن روزگار و روزگاران بعد برساند. مردم زادگاه او گرچه از کانون‌های تمدن‌های شکوهمند آن روزگار برکنار و از هنر فاخر دور بودند، از هنر تنیده در زندگی و از ذوق هنری یکسره بی‌بهره نبودند. آنان تقریباً با همه کانون‌های تمدن در روزگار خود، از یمن در جنوب گرفته تا ایران و حیره در شمال و روم در شمال غرب و غرب تعامل بازرگانی داشتند. پیوند خونی آنان با یمنیان و ملوک حیره و عسّان بر قوت این تعامل‌ها می‌افزود و آنها را از مرزهای دادوستد مادی فراتر می‌برد. با این حال، کانون‌های نخست اسلام، مکه و مدینه، و صحراهای پیرامون آنها جایی برای ظهور صورت‌های پرداخته هنر نبود. در چنین محیط بسیطی، پیامبر خدا (ص) کوشید تا دیدگاه انسان‌ها را درباره خود و انسان‌های دیگر و جهان دگرگون کند و آنان را به توجه درباره ساحت‌های دیگر حیات بخواند. در اندک مدتی، پیام او به همه اهل جزیره عرب، و در کمتر از یک سده، به گوش کثیری از مردم جهان، از اسپانیا و شمال افریقا گرفته تا سند، رسید و شمار بسیاری به دل بدو گرویدند یا سلطه کسانی را که به نام او حکم می‌راندند، به رغبت یا به اکراه، پذیرفتند. این گروندگان یا حاکمانی بودند که به نام دین جدید بر مردمان حکم می‌راندند؛ یا مؤمنان مجاهد بودند که پا به سرزمین‌های نو می‌گذاشتند و در آنجا می‌ماندند؛ یا مؤمنانی بودند که در پی زندگی بهتر به سرزمین‌های نویافته می‌کوچیدند؛ یا مقیمانی که در سرزمین خود به دین نو گرویده بودند؛ یا مقیمانی که به حکم حاکمان جدید سر نهاده بودند.

گروه اول، حاکمان، خیلی زود دریافتند که برای تثبیت و تحکیم سلطه خود نیازمند بهره‌گیری از ابزار معماری‌اند. در آغاز، این سلطه را با برگزاری نمازهای شکوهمند جمعه در مهم‌ترین نقاط و در انداختن صدای اذان در فضای شهرها وامی‌نمودند. آن‌گاه مسجدها را در جاهایی برافراشتند که یا پیشینه‌ای مقدس داشت یا معنایی پیوسته با قدرت دینی یا سیاسی مسلط پیشین. چیزی نگذشت که اینها را برای مقصود خود کافی نیافتند. در ظرف چند دهه، به تدریج دریافتند که به زبان معماری دیگری، زبان معماری‌ای متفاوت با زبان رایج و پیوسته با معانی مرتبط با دین جدید، نیاز دارند. این درک و درخواست ایشان در قالب معماری مسجدها و کاخ‌ها و دارالخلافت‌ها در کانون‌های خلافت به ظهور

رسید. اما مردم سرزمین‌های مفتوح همچنان به معماری متداول خود، در خانه‌ها و بناهای خصوصی و عمومی، ادامه می‌دادند. دین جدید معماری معینی را به مردم تحمیل نمی‌کرد. کافی بود زمینی غصبی نباشد و پاک باشد تا بتوان آن را، بی هیچ ترتیبی و آدابی و حتی ساختن بنایی، مسجد گرفت. اگر می‌خواستند جایی را مسجد کنند، به سادگی معبدی پیشین را گسترش می‌دادند، یا بنایی نو، متناسب با نماز گروهی و به سوی قبله، برمی‌افراشتند. پیداست که در این کار، دوست داشتند که بنای مسجدشان با بنای مسجد و خانه پیامبر خدا در مدینه، که وصفش را از مؤمنان مهاجر شنیده بودند، شباهتی داشته باشد. از فنون محلی بهره گرفتند و در هر جا، متناسب با فنون و سنت‌های معماری همان‌جا، مسجدهایی برافراشتند که بیشتر آنها از حیثی با مسجدهای نخستین رسول خدا و یاران او مناسبتی داشت: صحنی و سایبانی چهل‌ستون در یک یا چند سوی آن، و همه رو به جهتی که آن را سوی مکه می‌انگاشتند. در طی سالیان و دهه‌ها، حاکمان شیوه‌های پخته‌تر و پرداخته‌تری برای معماری خاص خود یافتند؛ معماران بهتر را از دور و نزدیک فراخواندند و سبک‌های ملی و منطقه‌ای و حتی جهانی پدید آوردند و آنها را به اقطار قلمرو خود صادر کردند. عامه مردم نیز شهرها را با نظام نو اجتماعی دوباره سامان دادند و اگرچه دین نو از معماری آنان طلبی آشکار نداشت، کوشیدند زندگی خود، و به تبع آن معماری خود را با نگاه و آداب و مناسک این دین وفق دهند.

در جاهایی از سرزمین‌های پهناور مسلمان‌نشین که ثبات و آرامش بیشتر و ماندگاری برقرار بود، اقبال اجتماعی مستقل از حکومت، اما مقید به اسلام، زودتر پدید آمد. این اقبال طالب معماری‌ای بودند متناسب با ذوق خود؛ ذوقی که در طی سالیان و سده‌ها از جهان‌نگری و خوی و سلوک اسلامی متأثر شده بود. این چنین بود که رفته‌رفته اقسام معماری‌های حکومتی و مردمی در سرتاسر دارالاسلام پدید آمد که همه از معماری بومی هر سرزمین برآمده بود؛ اما از تمایلات برآمده از دین نو هم رنگ‌وبویی داشت. این تفاوت‌های منطقه‌ای همراه با رنگ‌وبوی مشترک برآمده از اسلام و شیوه‌هایی که پیوسته به دست مهاجران - از حاکمان و لشکریان و دیوانیان گرفته تا بازرگانان و صوفیان، و از همه مهم‌تر، معماران و صنعتگران - در بین سرزمین‌های اسلامی جابه‌جا می‌شد، در طی سده‌ها کثیری از آثار معماری پدید آورد که با همه تفاوت‌های شگرفشان، شباهت‌هایی شگفت هم داشتند؛ شباهت‌هایی که موجب شد دانشوران دوران جدید همه آنها را به نام «معماری اسلامی» بخوانند.

تحولات روزگار جدید بین ما ساکنان سرزمین‌های اسلامی و سنت صدها ساله معماری سرزمین‌هایمان گسست افکنده است. چه آن سنت منسجم بوده باشد یا نه، چه پیوندی میان سنت‌های

۳. قید سنت‌های علمی موجود

تحقیق درباره معماری اسلامی را اروپاییان آغاز کردند و حتی نام «معماری اسلامی» از ایشان است. در طی بیش از دو سده که از مطالعات معماری و هنر اسلامی می‌گذرد، دانشوران مغرب‌زمین زحمات بسیاری برای شناخت معماری سرزمین‌های اسلامی کشیده‌اند. این حوزه متنوع ناگزیر متأثر از سنت‌های علمی‌ای بوده است؛ و همین سنت‌ها، در عین آنکه امکاناتی برای شناخت این معماری به‌دست داده، قیودی بر دست‌وپای فهم محققان زده است. در بخش کلیات و مقدمات مجلد حاضر، به‌ویژه در فصول ۱ و ۲، به برخی از این سنت‌ها پرداخته‌ایم؛ اما بررسی مفصل این قیود در این مجلد و این پیشگفتار ممکن نیست. فقط از برخی از آنها نام می‌بریم: قید سنت شرق‌شناسی^۱، قید سنت تاریخ‌نویسی^۲ و تاریخ‌باوری^۳، قید سنت باستان‌شناسی، قید سنت تاریخ هنر، قید سنت نگاه نقاشانه به معماری، قید سنت گرای^۴، و قید «قیدستیزی»^۵ مظاهرانه برخی از نظریه‌های انتقادی.

تحقیق درباره معماری جهان اسلام نیازمند تحولی بنیادی است؛ تحولی با رهایی از این قیود و در عین حال، بهره‌گیری از فواید آنها. مقدمه این رهایی به‌دست آوردن تصویری اجمالی از دانش موجود است. کتاب حاضر نتیجه چنان تحول مطلوبی نیست؛ اما محصول فراهم آوردن چنین مقدمه‌ای است. به عبارت دیگر، در این کتاب کوشیده‌ایم تصویری اجمالی از دانش موجود درباره معماری جهان اسلام به‌دست دهیم. پیداست که در این کوشش، دست به‌گزینش زده‌ایم. در این گزینش از منابع ثانویه^۶، کوشیده‌ایم نگاه معمارانه^۶ را، در برابر نگاه باستان‌شناسانه و مورخانه، برکشیم و روایت‌های باستان‌شناسان و مورخان هنر را، در حد بضاعت، به شیوه‌ای معمارانه گزارش کنیم. پیداست که رهایی از قیود سنت‌های باستان‌شناسی و تاریخ هنر در کاری که از بنیاد متکی بر منابع ثانویه باشد بسیار دشوار است. با این حال، این را مقدمه‌ای کمابیش موفق در این زمینه می‌شماریم و امیدواریم باب تحقیق‌های نو و رسته از قیود را بگشاید. اگر پهنه‌های جغرافیایی در قالب مربع‌های حاصل از تقاطع مدارها و نصف‌النهارهای نقشه جغرافیایی جا می‌گرفت؛ اگر رویدادهای تاریخی، یا قله‌های تحولات تاریخی، با سال‌های تقویم تنظیم می‌شد و همه رویدادها مثلاً در رأس سده‌ها رخ می‌داد؛ اگر تحولات فرهنگی، از جمله تحولات معماری، به این مربع‌های جغرافیایی و تاریخی مقید می‌ماند؛ اگر مردم در این

گونگون معماری در سرزمین‌های متفاوت جهان اسلام برقرار بوده باشد یا نه، امروز ما از آن عالم بیرونیم. از همین روست که از آن سخن می‌گوییم و می‌توانیم در پی شناخت آن برآییم. امروز از دور ایستاده‌ایم و به معماری‌ای می‌نگریم که از سده اول/هفتم تا حدود سده سیزدهم/نوزدهم از منتهای غرب اروپا تا جنوب شرق آسیا به دست مسلمانان در سرزمین‌های مسلمان‌نشین پدید آمده است. شناخت ما از این معماری ناگزیر در بند قیدهایی است. در بخش «کلیات و مقدمات» کتاب حاضر، به برخی از این قیود پرداخته‌ایم. در اینجا، تصویری مجمل از مهم‌ترین آنها به‌دست می‌دهیم:

۱. قید شواهد مادی

آنچه از معماری این سیزده سده به دست ما رسیده است حتی در حدی مشتئی نمونه خروار نیست. در طی قرون، آثار معماری به دست انسان‌ها و پدیده‌های طبیعی از میان رفته است. آنچه مانده، یکی از هزاران هزار اثر معماری است؛ و آن هم معمولاً معماری فاخر. هرچه از اکنون به عقب برویم، قید محدودیت شواهد مادی بیشتر و امید دستیابی به فهمی از معماری اسلامی محدودتر می‌شود. موج مدرن‌سازی که به‌ویژه پس از انقلاب صنعتی آثار بسیاری از معماری گذشته را در اروپا از میان برد، امروزه در آن مناطق فرونشسته است؛ اما در سرزمین‌های اسلامی همچنان زنده است و همچون حریق، پیوسته اندک شواهد معماری اسلامی را در خود می‌بلعد و می‌سوزد.

۲. قید شواهد نوشتاری و تصویری

از این قید در جاهای دیگر به تفصیل گفته‌ایم. نویسندگان مسلمان رغبتی به سخن گفتن از معماری نداشته‌اند و اگر در کتابی سخنی از معماری رفته است، درباره معماری شاهانه و برای ستودن شاهی و امیری بوده است. با اینکه حیات مدنی در شهرهای پررونق اسلامی تقنین قوانین مدنی مرتبط با معماری و شهر و نیز مکتوب کردن قراردادهای معماری را لازم می‌آورد، مردم بسیاری از سرزمین‌های اسلامی علاقه‌ای به نگه‌داری اسناد و قراردادهای متون حقوقی معماری نداشته‌اند و بسیاری از آن اسناد را از میان برده‌اند و همچنان از میان می‌برند. اندک اسناد به‌جامانده هم، اگر به موزه‌ها و کتابخانه‌های اروپا و امریکا نرفته باشد، معمولاً در خزانه موزه‌ها و کتابخانه‌های سرزمین‌های اسلامی است که موزه‌داران و امنای اموال آنها را از «چشم بد» محققان به‌دور می‌دارند. همین اندک اسناد، که خود هزاران هزار است، اگر روزی به‌درستی سامان یابد و از حکایت «گنج و مار» رها شود و در اختیار پژوهندگان قرار گیرد، تصویر ما را از معماری اسلامی دگرگون خواهد کرد. وضع اسناد تصویری نیز، از نگاره‌های کهن گرفته تا عکس و فیلم، چنین است.

1. orientalism
2. historiography
3. historicism
4. traditionalism
5. secondary source
6. architectural

از معضلات مهم سخن گفتن درباره معماری، اصطلاحات است. مسلمانان در طی تاریخ درباره معماری خود سخن می‌گفته‌اند. برخی از این اصطلاحات در زبان عربی و فارسی و ترکی امروز مانده؛ و برخی هم از طریق منابع نوشتاری و لغت‌نامه‌ها به دست ما رسیده است. برخی از این اصطلاحات خاص و منطقه‌ای است؛ و برخی دیگر در همه جهان اسلام یکسان است. اما سخن امروزی درباره معماری اسلامی را دانشوران مغرب‌زمین آغاز کردند. ایشان ناگزیر درباره معماری جهان اسلام با اصطلاحات معماری خود سخن گفته‌اند. برخی از اصطلاحات را هم از جهان اسلام برگرفته و به‌درستی به کار برده‌اند و برخی دیگر را از موضع خود خارج کرده‌اند. نمونه بارز اصطلاحی که از موضع خود خارج شده است «مقرنس» است. نخستین دانشوران معماری اسلامی به جای مقرنس، از «استالاکتیت»^۱ (چکنده، قندیل طبیعی سقف غار) استفاده می‌کردند. سپس رفته‌رفته خود اصطلاح مقرنس جانشین آن شد. اما مشکل اینجاست که آنان به هر طاق پلکانی‌ای مقرنس گفته‌اند و مقرنس را از پتکانه و پتگین باز نشناخته‌اند. شگفت اینکه مقرنس را از زیر طاق به روی آن تعمیم داده و به گنبد‌های اورچین، مانند گنبد دانیال نبی (ع) در شوش یا امام دور سامرا، گنبد مقرنس گفته‌اند. همچنین هر کاو ایوان‌مانندی را ایوان خوانده‌اند؛ حتی به سردر «ایوان ورودی» گفته‌اند. در کتاب حاضر، همه این گونه موارد را با تصاویر آثار تطبیق داده و اصطلاح درست را به کار برده‌ایم؛ چه در تألیف‌ها و چه در ترجمه‌ها. مشکل دیگر اصطلاحات به پرداخته نبودن آنها در درون زبان برمی‌گردد. زبان متحول است و در طی زمان، معنای واژه‌ها دگرگون و مرزهای آنها واضح یا مبهم می‌شود. همچنین در جاهای گوناگون سرزمین‌های فارسی‌زبان، واژه‌های معماری را به معانی مختلف به کار می‌برند. وقتی که اهل زبانی در حوزه‌ای از علم ممارست کنند، ناگزیر این اصطلاحات را گزیده و پرداخته و دقیق می‌کنند. چون فارسی‌زبانان در خصوص معماری چنین نکرده‌اند، اکنون هر اصطلاح معماری با اقسامی از معانی در دست ماست. در این کتاب، کوشیده‌ایم برخی از اصطلاحات را دقیق و آنها را در یکی از معانی متعددشان تثبیت کنیم. پیداست که با این کار، از تنوع معنای واژه‌ها در متون کهن یا در زبان رایج فاصله گرفته‌ایم؛ اما در عوض، به دقت زبان علمی کمک کرده‌ایم. مثلاً در زبان فارسی، منار و مناره تفاوتی آشکار ندارند و آنها را به آسانی به جای هم به کار برده‌اند. در این کتاب، به چنین عنصری اگر مستقل از بنای دیگری بوده است «منار» گفته‌ایم؛ و اگر متصل به بنایی دیگر بوده «مناره». مقصود ما این نیست که معنای درست منار و مناره همین است که ما به کار برده‌ایم؛ بلکه مقصود این است که یکی از معانی هر یک را در جای خود تثبیت کرده‌ایم. همچنین در زبان

1. stalactite

مربع‌ها با هم دادوستد معماری نمی‌داشتند؛ اگر بین این مربع‌ها دیوار می‌بود، کار مورخ معماری چه آسان می‌شد! خوش‌بختانه چنین نیست. اما مورخ معماری، آن هم معماری‌ای به گستردگی جغرافیایی و تاریخی «معماری جهان اسلام»، برای شناختن و شناساندن این معماری ناگزیر به تقطیع آن در پهنه‌های جغرافیایی و دوره‌های تاریخی است. در این تقطیع، مثل هر تقطیع دیگری که برای شناختن لازم است، ناگزیر حقایق نادیده می‌ماند، ناچار واقعیاتی در زیر دیواره‌های تقطیع پنهان می‌شود. شاید از تقطیع گزیری نباشد؛ اما می‌شود تقطیع را چنان کرد که این «از دست دادن» به کمترین حد ممکن برسد. در کتاب حاضر، کوشیده‌ایم چنین کنیم؛ گرچه در این تقطیع نیز ناگزیر بر دانش موجود متکی بوده‌ایم. برای این منظور، از ترکیب تقطیع جغرافیایی و تاریخی بهره گرفته‌ایم. نخستین تقطیع جغرافیایی است: سرزمین‌های شرقی جهان اسلام و سرزمین‌های غربی جهان اسلام. دومین تقطیع تاریخی است: چون نقاط عطف کلان تاریخی در شرق و غرب جهان اسلام یکی نیست، تقطیع تاریخی را با آن دو پهنه جغرافیایی درآمیخته‌ایم و بخش‌بندی کتاب از اینجا به دست آمده است: بخش اول، کلیات و مقدمات؛ بخش دوم، آغاز (سده‌های اول و دوم)؛ بخش سوم، سرزمین‌های شرقی در سده‌های سوم تا ششم؛ بخش چهارم، سرزمین‌های غربی در سده‌های سوم تا هفتم؛ بخش پنجم، سرزمین‌های شرقی در سده‌های هفتم تا نهم؛ بخش ششم، سرزمین‌های غربی در سده‌های هفتم تا سیزدهم؛ بخش هفتم، سرزمین‌های شرقی در سده‌های دهم تا سیزدهم. هر یک از این بخش‌ها متشکل از فصولی است منطبق با ادوار حکومت‌های اصلی. در پی برخی از فصول، مقاله‌ای در معرفی مبحثی نمونه مربوط به آن فصل آورده‌ایم. مثلاً فصل ۹ به معماری روزگار عباسیان اختصاص دارد و در پی آن، سه مبحث نمونه می‌آید: «جوسق خاقانی یا دارالخلافة، سامرا»، «مسجد تازی‌خانه، دامغان»، «مسجد جامع، نایین: مناقشه در تاریخ‌گذاری». بیشتر این مباحث نمونه حاصل تحقیق‌های دست اول دانشوران ایرانی است که نخستین بار منتشر می‌شود. برخی از آنها نیز ترجمه مقالات برجسته در این زمینه‌هاست. مقتضای چاپ و نشر تقطیع دیگری را هم موجب شده است: بخش‌های اول تا چهارم (یعنی تا سده هفتم) در جلد اول و سه بخش دیگر در جلد دوم سامان یافته است.

چنان‌که گفتیم، این کتاب ناگزیر در بند پژوهش‌های موجود در معماری اسلامی است. در سنت مطالعات معماری اسلامی، معمولاً معماری سرزمین‌های اسلامی در جنوب شرق آسیا را نادیده می‌گیرند و پژوهش در این باره به اندازه‌ای نبوده است که به تصویر اجمالی‌ما از دانش موجود راه یابد. این ضعفی است که امیدواریم در ویراست‌های بعدی این کتاب برطرف شود.

دشواری اعلام جغرافیایی هم کم از این نیست. گذشته از اینکه اعلام عربی، فارسی و ترکی مکان‌های جغرافیایی جهان اسلام در زبان‌های اروپایی به صورتی دیگر درآمده است، برخی از مناطق جهان اسلام، به ویژه اندلس، هویت زبانی دوگانه (عربی و اسپانیایی) دارد. به کار بردن صورت جدید یا اروپایی این اعلام پیوند آنها را با متون جهان اسلام قطع می‌کند. به کار بردن صورت کهن آنها نیز پیوندشان را با سخنان دانشوران غربی می‌برد. در این کتاب، تا حد ممکن، صورت اصیل اعلام جغرافیایی را بر اساس متون جهان اسلام اصل گرفته‌ایم؛ اما در نخستین بار کاربرد آنها در هر فصل، صورت اروپایی آنها را هم در بین دوهلال ذکر کرده و ضبط اروپایی‌شان را در پانویس آورده‌ایم؛ مانند اشیلیه (سویل).^۱ در ذکر سال‌ها در تاریخ معماری اسلامی، دست کم با سه تقویم سروکار داریم: تقویم هجری قمری، تقویم هجری شمسی، تقویم میلادی. در تقویم‌های اسلامی، اصل را بر هجری قمری گرفته‌ایم و در اندک مواردی، پس از سال ۱۳۰۰ ش، تاریخ هجری شمسی را هم ذکر کرده‌ایم. در فصول مترجم، در مواضعی که از حیث سال‌ها در بین دانشوران اختلاف بوده، اصل را بر همان تاریخی گرفته‌ایم که نویسنده ذکر کرده؛ مگر در مواضعی که خطا آشکار بوده است. در این صورت، تاریخ درست را نوشته و خطای نویسنده را در پی‌نوشت مشخص کرده‌ایم. در مقاله‌های تألیفی، اصل را بر منابع تخصصی تاریخی گذاشته‌ایم که در فهرست منابع هر فصل آمده است. در وهله بعد، آنها را با دایرةالمعارف فارسی مصاحب، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه بریتانیکا، لغت‌نامه دهخدا سنجیده و صحیح‌ترشان را برگزیده‌ایم. در بیشتر موارد، هردو تقویم هجری قمری و میلادی را ذکر کرده‌ایم تا خواننده بتواند درکی از نسبت آن سنه با وقایع جهان همان روزگار به دست آورد؛ مثلاً سال جلوس شاه عباس اول صفوی ۹۹۶ هجری قمری است که تقریباً برابر است با ۱۵۸۷ میلادی، که آن را به این صورت درج کرده‌ایم: ۹۹۶ ق/ ۱۵۸۷ م؛ یا سده هفتم هجری قمری تقریباً مقارن است با سده سیزدهم میلادی، که آن را به این صورت نوشته‌ایم: سده هفتم / سیزدهم. در یافتن برابر سال‌ها، اگر نویسندگان مقالات منبع فصول این کتاب خود برابر را ذکر کرده بوده‌اند، همان را ملاک گرفته‌ایم و فقط آن را از حیث درستی کلی سنجیده‌ایم. اگر ذکر نکرده بوده‌اند، برابر آن را از طریق مراجع یادشده یافته‌ایم. در نهایت، اگر در مراجع یادشده هم ذکر از سال برابر نشده بود، به نرم‌افزار مبدل تقویم تکیه کرده‌ایم. در صورت اخیر، اگر روز و ماه رویدادی معین نبوده، چون معمولاً هر سال هجری قمری معادل دو سال میلادی است، آن را که قطعی نبوده با تاریخ دوگانه معین کرده‌ایم. مثلاً انقراض

1. Seville

رایج، بین مردم و حتی بین استادکاران معماری سنتی بر سر معنای برخی از واژه‌های معماری اتفاق نیست؛ مثلاً به آنچه یکی «قوس» می‌گوید، دیگری «دور» می‌خواند. این گونه موارد را نیز تثبیت کرده‌ایم. در خصوص اصطلاحات مربوط به سازه‌های منحنی (سُغ)، مانند گنبد، قبه، طاق، چفته، قوس و کمان، به واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی تکیه کرده‌ایم که نتیجه زحمات سه‌ساله همکاران این جانب در گروه واژه‌گزینی معماری و شهرسازی این فرهنگستان است. طبیعی است که این اصطلاحات با اصطلاحات دیگر دستگاه‌های واژگانی تفاوت‌هایی دارد. برای همین، این قبیل اصطلاحات را در متن با حروف سیاه مشخص کرده و در واژه‌نامه توصیفی پایان کتاب، آنها را به اختصار توضیح داده‌ایم. علاوه بر این، برابر لاتینی واژه‌ها در مقاله‌های مترجم را در پانویس درج کرده‌ایم. افزون بر اینها، همه اصطلاحات در نمایه پایان کتاب فهرست شده است.

دشواری دیگر در این حوزه دشواری اعلام (نام‌های خاص) است. اعلام معماری جهان اسلام در طی سده‌ها و سالیان به کتاب‌های دانشوران مغرب‌زمین راه یافته و دگرگون شده است. در این تصریف‌ها، تفاوت‌های آوایی یا حرفی از میان رفته و بازشناسی صورت اصیل آنها دشوار شده است. همین دشواری، بسیاری از کتاب‌های مترجم معماری اسلامی را از فایده ساقط کرده است. اما بدتر از تصریف‌های آوایی و حرفی، تصریف‌های محتوایی است. مثلاً مردم محلی به جایی گفته‌اند «خرابه» یا «ویرانه». آن‌گاه باستان‌شناسان غربی همان را جزو نام شمرده و پیوسته تکرار کرده‌اند. نمونه آن بناهای معروف شام، خربة المنیة و خربة المفجر، است؛ به معنای ویرانه منیه و ویرانه مفجر. دانشوران غربی اینها را به همین صورت بازنوشته‌اند و مترجمان و معلمان ایرانی هم آنها را به همین صورت تکرار کرده‌اند. پیدا است که اگر بگوییم «خرابه‌های تخت جمشید»، «خرابه» جزو نام تخت جمشید نیست و کسی نمی‌گوید داریوش خرابه‌های تخت جمشید را ساخت! به همین نحو، «خربة» جزو نام قصر منیه یا قصر مفجر نیست. در این کتاب، این قبیل موارد را اصلاح کرده‌ایم و امیدواریم کتاب حاضر مبدائی برای کاربرد درست این نام‌ها باشد.

«تعرب» هم از دیگر مشکلات است. بنایی را که از طریق ترجمه‌ها به ترکیب عربی «قبة الصخرة» می‌شناسیم در منابع معتبر فارسی کهنه و نوبارها به نام‌های گنبد سنگ، گنبد صخره، یا قبة صخره نوشته‌اند؛ اما از طریق یکی از ترجمه‌های دهه‌های اخیر، این ترکیب دشوارخوان در نوشته‌ها و گفته‌های امروز متداول شده است. در این کتاب، آن را «قبة صخره» نوشته‌ایم. همچنین در هر جا که ممکن بوده است، از تعرب نابجا دوری کرده‌ایم؛ همچنان که از میل بیمارگونه به سره‌نویسی فارسی.

برخی از مقالات تألیفی بوده است، همکاری کردند.

اما اگر در این کتاب دقت و اعتبار و روانی‌ای باشد نتیجه زحمت مستمر و دقت و حساسیت علمی و پیگیری شگفت‌انگیز سه محقق جوان است: خانم‌ها مهندس مطهره دانایی‌فر، مهندس شبنم حاجی‌جعفری، مهندس زینب تمسکی. ایشان بودند که با کاری طاقت‌فرسا و دقتی چشمگیر، همه فصول را از حیث درستی ساختار متن، اعتبار استدلال‌ات و مناسبت مقدمات و نتایج، ربط گفته‌ها با تصاویر و مستندات، درستی و یکدستی اصطلاحات، اعلام، تاریخ‌ها، و گزینش تصاویر برای مفهوم کردن متن سنجیدند و کامل کردند.

یافتن صدها تصویر مناسب برای کتاب، تهیه و ترسیم نقشه‌ها، تطبیق متن‌ها و شرح تصاویر با آنها، ویراستن تصاویر و تنظیم آنها از کارهای طاقت‌فرسای این کتاب بود. این کار بزرگ را خانم‌ها مهندسان زینب تمسکی، مریم حیدرخانی، مطهره دانایی‌فر و شبنم حاجی‌جعفری، با همکاری آقایان و خانم‌ها مهندسان یحیی سپهری، نرگس محمدی، ریحانه حیدری، حانیه قاضی‌زاده، فاطمه باقری، مرضیه نیک‌نهاد، پریسا رحیم‌زاده، منیره آدینه دوست‌آبادی، سمانه پورعمادی و زهرا صالحی برعهده داشتند. مسئولیت به سامان رساندن کتاب در مرحله صفحه‌آرایی، نظارت بر صفحه‌آرایی، و همکاری با بخش نسخه‌پردازی ناشر و نظارت بر اصلاحات نهایی بر عهده خانم مهندس مریم حیدرخانی بود. در پیش ایشان چیزی ندارم، مگر کرنش و دعای خیر. امیدوارم این کتاب آغازگاهی خیر برای انتشار پژوهش‌های ارزنده‌هریک از ایشان در آینده باشد. گذشته از ایشان، کار دشوار صفحه‌آرایی بر دوش خانم مه‌ری ابراهیمی بود؛ و تهیه تصاویر نیز بدون همکاری آقای محمود جواهری (کتاب‌دار کتابخانه دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی) و متصدیان و کتابداران محترم بخش ایران‌شناسی کتابخانه ملی ایران ممکن نمی‌شد. از ایشان نیز سپاس گزارم.

از همکاران و سرورانم در سازمان «سمت»، به‌ویژه سرکار خانم دکتر شهره روغنی، سرکار خانم دکتر نگار ذیلابی، و دوست بزرگووارم آقای منصور براهیمی، سرکار خانم قبدیان و دیگر همکاران بخش نسخه‌پردازی این سازمان هم سپاس گزارم که همگی عنایتی بدین کتاب و دستی در پیشبرد کار آن داشتند.

ستایش در آغاز و انجام از آن خداست

مهر داد قیومی بیدهدنی

تهران، دانشگاه شهید بهشتی

مرداد ۱۳۹۵

نصریان در ماه ربیع‌الاول سال ۸۹۷ ق رخ داد، که دقیقاً برابر است با سال ۱۴۹۲م؛ اما بیمارستانی که محمد پنجم نصری در غرناطه ساخت در ماهی نامعلوم از سال ۱۸۴۳ ویران شد. این سال میلادی برابر با قسمتی از دو سال متوالی هجری قمری است؛ و چون تاریخ هجری قمری آن را در هیچ‌یک از مراجع یادشده نیافته‌ایم، آن را به این صورت ضبط کرده‌ایم: ۱۲۵۸-۱۲۵۹ ق/۱۸۴۳ م.

بیشتر فصول این کتاب را محققان میرز و جوان نوشته‌اند. یک‌یک فصول به‌دقت واری و ویرایش محتوایی شده است. این ویرایش گاهی اندک بوده و گاهی به بازنویسی کامل فصل و دگرگونی ساختاری و محتوایی آن منجر شده است. همچنین همه مطالب نویسندگان و مترجمان را با تصاویر و مراجع تطبیق داده‌ایم و کوشیده‌ایم هیچ مطلب نامفهوم یا مبهم یا مطلبی که با خود آثار وفق نکند بدین کتاب راه نیابد.

نویسندگان و مترجمان فصول این مجلد همه از فاضلان جوان‌اند که به دوستی ایشان می‌بالم. گرچه نام شریف ایشان را در فهرست و در صدر فصول می‌یابید، مایلم در اینجا نیز نامشان را، به همان ترتیب فصول کتاب، ببرم و آنان را قدر بدانم: آقایان و خانم‌ها مهندس روح‌الله مجتهدزاده، دکتر پاتریک رینگنبرک، دکتر آندیا عبائی، مهندسان نگار صبوری، مهدی گلچین عارفی، سیده‌میترا هاشمی، مطهره دانایی‌فر، محمد نخعی، صبا مدنی، فرهاد نظری، مرضیه نیک‌نهاد، امید شمس، عبدالله مؤذن‌زاده، حمیدرضا پیشوائی، سیدعلی عمادی، نازنین شهیدی، سمانه محسنی، شبنم حاجی‌جعفری، ذات‌الله نیک‌زاد، غزل نفیسه تابنده، مهنام نجفی، مجید حیدری، دنا شمسی‌زاده، صفا محمودیان، مهدی سلطانی، هاله حاج‌یاسینی. خدا به همه ایشان در دو سرا پاداش نیکو بدهد.

جز اینها، دانشوران دیگری هم در پدید آمدن این کتاب نقش داشتند: دوست عزیز و دانشمندم، آقای دکتر داریوش رحمانیان، استاد تاریخ دانشگاه تهران، بیشتر فصول کتاب را از حیث درستی تاریخی واری و اصلاح کردند. خانم مهندس زهرا گلشن و آقای مهندس سینا سلطانی و آقای مهندس مهدی گلچین عارفی مشاوران این جانب در طراحی ساختار کتاب بودند. همکار فاضلم، خانم دکتر زهره تفضلی، برخی از فصول را خواندند و نظرهای ارزنده دادند. خانم مهندس نازنین شهیدی، آقای دکتر امیرحسین کریمی، آقای مهندس سینا سلطانی، خانم مهندس زهرا چیت‌سازیان، خانم مهندس مرضیه نیک‌نهاد، و خانم مهندس ضحی ندیمی در گردآوری منابع کتاب و ویرایش محتوایی برخی از فصول همکاری کردند. خانم دکتر الناز نجفی، خانم مهندس صحرا عابری زاهد، خانم مهندس سیده‌میترا هاشمی، آقای مهندس احسان طهماسبی، آقای مهندس سینا زارعی، و آقای مهندس حمیدرضا پیشوائی در ترجمه برخی از منابع، که مأخذ فیش‌های